

پشیمانی یک زن از قتل شوهر به بهانه بداخلاقی

زن جوانی که شوهرش را به بهانه بداخلاقی کشته بود، دیروز در دادگاه از خوددفاع کرد. شامگاه چهارم دی سال ۹۷، اعظم ۳۶ ساله همسرش را در خانه شان در حوالی کوهسار خفه کرد و همان موقع با پلیس تماس گرفت. ماموران وقتی به خانه این زوج رفتند با جسد مردی ۵۴ ساله به نام حبیب روبه رو شدند.

دختر ۱۴ ساله این زوج به ماموران گفت: پدرم مرد بد خلقی بود و همیشه سر هر موضوعی با مادرم درگیر می شد. آخرین بار وقتی درگیری میان آن ها بالا گرفت، نفس پدرم بند آمد و روی میل افتاد و همان موقع مادرم روسری را دور گردنش پیچید و او را خفه کرد.

با اظهارات دختر نوجوان، مادرش تحت بازجویی قرار گرفت و به قتل اعتراف کرد.

این زن ادامه داد: حبیب بسیار عصبی بود و همیشه سر هر موضوعی کتک کاری راه می انداخت تا این که آخرین بار کنترل اعصابم را از دست دادم و او را خفه کردم.

این زن در حالی پای میز محاکمه ایستاد که دو دخترش از قصاص گذشتند اما فرزند دیگر قربانی که در دادگاه حاضر نبود، برای نامادری اش حکم قصاص خواست.

اعظم روبه روی قضات ایستاد و گفت: آخرین بار حبیب با دختر کوچکم در سر کار می کرد که شروع به فحاشی کرد و دخترم را کتک زد. او فحش های رکیکی به دخترم داد، از رفتار او عصبانی شدم و به او اعتراض کردم اما حبیب دست بردار نبود. او به سوی من حمله کرد تا مرا کتک بزند. او حتی به سمت آشپزخانه رفت و چاقوی آشپزخانه را برداشت. همان موقع دعوا میان ما بالا گرفت و وقتی حبیب به خاطر تنگی نفس روی میل افتاد، یک لحظه روسری را دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم.

وی در حالی که اشک می ریخت ادامه داد: دختر بزرگ شوهرم که حالا برای من درخواست قصاص کرده، زندگی مستقلی دارد. من از او تقاضا دارم به خاطر دو خواهر ناتنی اش از قصاص صرف نظر کند.

کابوسی ۵ ساله زندان برای قاتل جنگل جنوب تهران

مرد جوانی که پنج سال قبل با همدستی دو نفر از دوستانش، دست به قتل زده بود، پول ندارد از زندان آزاد شود.

رسیدگی به این پرونده از شانزدهم اردیبهشت سال ۹۳ به دنبال پیدا شدن جسد خونین یک مرد ۳۰ ساله به نام مهران در گودالی در حوالی جنگل های جعفرآباد در جنوب تهران آغاز شد. شواهد نشان می داد این مرد با ضربه های چاقو کشته شده است. پلیس به تحقیق پرداخت و در نخستین گام از بررسی ها، به درگیری های دنباله دار قربانی با جوانی به نام عباس پی برد.

به این ترتیب عباس که صاحب یک کارگاه در جنوب تهران بود، ردیابی و بازداشت شد و به مشارکت در قتل با همدستی دو نفر از کارگران کارگاهش به نام های کریم و احمد اعتراف کرد.

متهمان نیز بازداشت شدند و همگی پای میز محاکمه ایستادند اما در دادگاه جرمشان را گردن یکدیگر انداختند. آن ها هر یک مدعی شدند دیگری ضربه های مرگبار را به قربانی زده است. در پایان جلسه، قضات با توجه به این که روشن نبود کدام یک از متهمان ضربه مرگبار را به قربانی زده است، هر یک از آن ها را مطابق ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی به پرداخت یک سوم دیه انسان کامل محکوم کرد. حکم صادر شده در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد اما کریم به خاطر ناتوانی در پرداخت دیه پنج سال در زندان ماند.

وی طی نامه ای از قضات دادگاه کمک خواست و درخواست اعسار را مطرح کرد. این متهم دیروز در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران با پای میز محاکمه ایستاد و به قضات گفت: من اصلا مهران را نمی شناختم. من و دوستم احمد چند ماه بود در کارگاه عباس مشغول کار شده بودیم. ما در محل کار بودیم که عباس با ما تماس گرفت و از ما خواست به جنگل های جعفرآباد برویم. وقتی آن جا رفتیم با جسد مردی روبه رو شدیم. عباس می گفت او را به خاطر مسائل ناموسی کشته بود. او از ما خواست تا جسد را داخل گودال بیندازیم. ما هم قبول کردیم. وی ادامه داد: من هیچ ضربه ای به مقتول نزده بودم اما به پرداخت یک سوم دیه محکوم شدم. حالا هم توان پرداخت دیه را ندارم و پنج سال است در زندان مانده ام. این متهم گفت: در مدتی که در زندان هستم همسر و فرزندم به سختی زندگی شان را می گذرانند. حالا تقاضا دارم تا قضات دادگاه با تقسیت دیه موافقت کنند. من در صورتی که آزاد شوم کار می کنم و دیه را اقسطی به اولیای دم می پردازم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

دزدان پایتخت هر کدام سر نوشت های متفاوتی دارند و داستان هایشان شنیدنی و عبرت آموز است. بیشتر دزدان اعتیاد را عامل کج راهه رفتنشان می دانند و انگیزه شان از سرقت ها را تهیه پول برای هزینه مواد افیونی دانسته اند. شامگاه دوشنبه ۳۰ دی امسال، ماموران کلانتری تهرانسر از درگیری یک جوان با چند مرد مطلع شدند و خیلی زود تیمی از ماموران گشت کلانتری برای بررسی موضوع به محل اعزام شد. ماموران با حضور در محل اطلاع پیدا کردند چند مرد که از دوستان و همکاران پسر جوانی به نام فرهاد بودند، با پرداخت پول منتظر صفر شدن جریمه های خودرو هایشان بودند اما با گذشت مدتی، این اقدام صورت نگرفته است و به همین دلیل با هم درگیر شده اند. تیم پلیسی در ادامه تحقیقات پی بردند این جوان ابتدا برای جلب اعتماد طعمه هایش با پرداخت چند قبض جریمه خودرو، اعتماد آن ها را جلب کرده است و طعمه ها با این تصور که وی توانسته با دریافت پول کمتری جریمه خودرو ها را صفر کند، برای وی مشتری پیدا کرده اند.

دیگر سوژه ها که با پرداخت نصف پول جریمه هایشان به پسر جوان، در انتظار صفر شدن جریمه هایشان بودند با گذشت حدود یک سال وقتی این اقدام صورت نمی گیرد، با وی قرار ملاقاتی برای حل این مشکل می گذارند که بین آن ها درگیری رخ می دهد.

قمیز در کردن

فرهاد ۳۰ ساله که یک جوان تحصیل کرده است، ادعا می کند قصد کلاهبرداری نداشته و تنها به خاطر قمیز در کردن، کارش به این جا کشیده است.

سابقه داری؟

نه.

شغل؟

در یک شرکت خصوصی کار می کردم.

به چه جرمی دستگیر شدی؟

باور کنید من قصد کلاهبرداری یا خلافکاری نداشتم. الان به جرم کلاهبرداری به بهانه صفر کردن جریمه خودرو ها دستگیر شدم البته خودم با پلیس تماس گرفتم.

اصل ماجرا چیست؟

یک روز با همکاران در محل کار نشسته بودیم و صحبت می کردیم که یک دفعه برای خودنمایی، من از خودم قمیز در کردم و گفتم برای پرداخت جریمه آشنا دارم و می توانم خلاقی شان را صفر کنم، بعد از یک هفته از شانس بد من، موتور سرپرست شرکت را پلیس توقیف کرد و مدارکش را تحویل من داد تا کار صفر کردن خلاقی را انجام دهم. چون حرف زده بودم و نمی خواستم شرمنده باشم و قمیز در کردنم لو برود از جیب خودم جریمه را پرداخت کردم و گفتم که خلاقی تان صفر شده است که این ماجرا در شرکت پیش شد و از فردا پولی بود که به حساب می ریختند و می خواستند جریمه هایشان را صفر کنم.

برای سرپرست شرکت چقدر خرج کردی؟

۵۰۰ هزار تومان جریمه داشت که همه را از جیب خودم پرداخت کردم.

چقدر پول به حسابت واریز شد؟

متفاوت بود، از ۵۰۰ هزار تومان تا شش میلیون تومان پول به حسابم واریز شده بود.

شش میلیون تومان؟!

بله، ۱۳ میلیون جریمه داشت که شش میلیون به حسابم ریخت تا جریمه هایش را صفر کنم.

با پول ها چه کردی؟

باور کنید با پول هایی که به حسابم واریز شده بود چند جریمه را صفر کردم، حتی جریمه ۱۳ میلیونی را با پول هایی که به دست آوردم پرداخت کردم این روند باعث اعتماد بیشتر آن ها شده بود که در مجموع ۱۶ میلیون تومان به حسابم آمد و برای این که پول ها را برگردانم حتی خودروی خودم را هم فروختم.

پس چرا دستگیر شدی؟

چون نمی خواستم ماجرای قمیز در کردنم لو برود، ادعا کردم دوستم که جریمه ها را صفر می کرد، دستگیر شده است و مدتی آن ها را منتظر گذاشتم تا این که با آن ها قرار گذاشتم تا پول هایشان را بازگردانم که آن ها گفتند چرا جریمه دیگران را صفر کردی، برای ما هم باید انجام بدهی و سر این موضوع با هم بحث کردیم که خودم با پلیس تماس گرفتم.

حرف آخر؟

من کلاهبرداری و جعل نکردم و به خاطر یک قمیز در کردن پایم به این جا کشیده شد و در حال بازگرداندن پول های شاکیان پرونده ام بودم که دستگیر شدم.

دزد در پیچه های فاضلاب

چندی قبل با توجه به انتشار فیلم صحنه سرقت در پیچه های فاضلاب در تهران و مشکلاتی که برای مردم در شهر پیش آمده بود، تیمی از ماموران کلانتری برای دستگیری عامل این سرقت ها وارد عمل شدند. ماموران در ابتدا با توجه به فیلم صحنه سرقت اطلاع یافتند مرد جوانی با خودروی پراید هاچ بک سفید رنگ دست به سرقت در پیچه های فاضلاب خیابان های خلوت می زند که در همین راستا شماره پلاک خودروی سارق جوان در اختیار ماموران قرار گرفت. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران پراید سفید رنگی با همان شماره پلاک ثبت شده



دزد لوازم خودرو



دزد در پیچه های فاضلاب



دزد بیمارستان



متهم پرونده خلاقی صفر

کار درمانی چاره پیشگیری از اعتیاد و سرقت

دکتر رضا احمدی روان شناس و استاد دانشگاه اعتیاد و افرادی که معتاد هستند، آسیب های بی شماری را به خانواده و جامعه خود وارد می کنند. فرد معتاد گناهکار و مجرم به شمار نمی رود بلکه باید به عنوان یک بیمار در اجتماع به وی نگاه کرد اما چرخه اعتیاد به گونه ای است که حوادث تلخ بی شماری را رقم می زند. افراد معتاد آسیب هایی مثل قتل، خشونت، فساد، سرقت و... را در جامعه رواج می دهند. افراد معتاد به دلیل بیکاری و نداشتن درآمد کافی مرتکب سرقت های خرد و کلان می شوند و برای تأمین هزینه های زندگی و خرج مواد خود به سرقت روی آورند. نبود سرگرمی، دوستان ناباب و زندگی در محله های جرم خیز، از عواملی است که فرد را ابتدا به سمت اعتیادی می کشاند سپس این افراد به سرقت و دزدی گرایش پیدا می کنند. وقتی یک فرد به پدیده اعتیاد آلوده می شود، چاره ای جز سرقت برای تأمین مایحتاج زندگی و مواد مخدر خود ندارد. البته باید گفت برخی معتادان پس از ترک اعتیاد و بازگشت به زندگی همچنان دست به سرقت می زنند و علت سرقت را اعتیاد بیان می کنند در حالی که این یک بهانه برای این افراد محسوب می شود و راحت

در دوربین مدار بسته را مشاهده و اقدام به توقیف خودرو کردند. راننده پراید که مرد جوانی بود، وقتی در برابر ماموران قرار گرفت، گفت: باور کنید من با خودرویم خلاف نکرده و نمی دانم این مشکل چرا برای من پیش آمده و از سوی چند کلانتری دیگر خودرویم توقیف شده و حتی جریمه های زیادی برای خودرویم ثبت شده و این در حالی است که من هیچ کار خلاقی نکرده ام. ماموران در ادامه با تحقیقات فنی و پلیسی اطلاع یافتند سارق اصلی با تغییر در شماره پلاک خودرویش، مسیر تحقیقات پلیس را به سمت مرد بی گناهی که صاحب این پراید است، تغییر داده است. تیم پلیسی در ادامه تجسس ها متوجه شدند سارق با چسباندن یک کاغذ سفید رنگ روی شماره پلاک خودرویش، عدد ۲ را به عدد یک تبدیل کرده و همین باعث شده مسیر تحقیقات به سمت مرد بی گناه کشیده شود. همین سر نخ کافی بود تا ماموران با در اختیار داشتن شماره پلاک خودروی سارق جوان، تحقیقات را آغاز کنند تا این که در شامگاه دوشنبه ۳۰ دی ماه، دزد جوان سوار بر خودرویش شناسایی و در یک عملیات غافل گیرانه دستگیر شد.

متهم پس از دستگیری با توجه به مدارک پلیسی به سرقت هایش اعتراف کرد و مالخر این در پیچه های آب و فاضلاب را نیز لو داد. در یک عملیات پلیسی، خریدار اموال سرقتی نیز دستگیر شد. گفت و گو با مرد پیشه ای میثم ۳۶ ساله که اعتیاد به مواد مخدر شیشه دارد، می گوید اعتیادش باعث شده تا دست به سرقت بزند و قصد دارد پس از آزادی کارش را امتدانه ای انجام دهد.

سابقه داری؟

نه.

اعتیاد داری؟

تربین کار را برای خود انتخاب می کنند.

یکی از نکات مهم در پیشگیری از گسترش اعتیاد و سرقت های خرد و کلان در جامعه، ایجاد شغل و تعریف کار برای این افراد است که پس از ترک اعتیاد و بازگشت به جامعه باید سرگرمی به عنوان کار برای شان تعریف شود تا علاوه بر کسب درآمد صحیح، بتوانند سالم زندگی کنند. بنابر این کار درمانی قدم اول برای کاهش اعتیاد و پیشگیری از سرقت و آسیب های خطرناک دیگر در جامعه است. به طور قطع تعریف کار برای این افراد چاره اصلی حل مشکلات است تا آن ها هم بهانه ای برای گرایش دوباره به مصرف مواد مخدر و سرقت نداشته باشند. برخی معتادان که خود را در آخر خط می بینند و هیچ مسئله ای برای شان مهم نیست، مرتکب هر کار غیر اخلاقی می شوند. برخی افراد که از شهر های کوچک به کلان شهر ها مهاجرت می کنند و در گیر اعتیاد می شوند باید به شهر های محل زندگی سابق خود باز گردند و بعد از ترک اعتیاد، در شهر خودشان کار درمانی برای آن ها تعریف شود. از این رو برای کاهش چرخه سرقت و اعتیاد و روند رو به افزایش اتفاقات هولناک تر، نیاز است کار درمانی مورد توجه مسئولان مربوط قرار گیرد.

بله، از یک سال و نیم قبل به مواد مخدر شیشه اعتیاد پیدا کردم. الان به چه جرمی دستگیر شدی؟ سرقت در پیچه های آب و فاضلاب. چطور بود فکر دزدی افتادی؟ من ضایعات می فروختم که پیشنهاد دادند در پیچه های چدنی آب و فاضلاب برایشان بیاورم، من هم تصمیم به این کار گرفتم. هر در پیچه را به چه قیمتی می فروختی؟ ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان. چند سرقت انجام دادی؟ ۵۰ سرقت که همه پول هایش را هزینه اعتیادم کردم. چطور معتاد شدی؟ از طریق دوستانم. یعنی خودت نمی خواستی؟ آدم تا خودش نخواهد کاری نمی کند و دوست نهاییک واسطه است. چطور بود فکر تغییر پلاک افتادی؟ به ذهنم رسید. فکر نمی کردی دستگیر شوی؟ می دانستم دستگیر می شوم ولی به خاطر اعتیادم انجام دادم.

دزد شب روی بیمارستان ها

چندی قبل ماموران کلانتری ۱۴۸ انقلاب از ماجرای سرقت از بیماران چند بیمارستان با خبر و تیمی از ماموران تجسس کلانتری برای دستگیری عامل این دزدی ها وارد عمل شدند. ماموران در گام نخست به سراغ دوربین های مدار بسته رفتند و خیلی زود تصویر این سارق جوان که در گذشته نیز به همین شیوه دست به دزدی زده بود، به دست آمد. همین کافی

بود تا ماموران با اقدامات فنی و پلیسی، مخفیگاه این سارق را شناسایی کنند. در آخرین روز دی ماه، در یک عملیات غافل گیرانه سارق سابقه دار که سعید نام دارد، دستگیر شد.

گفت و گو با سارق سابقه دار

سعید ۳۰ ساله که چهار ماه قبل از زندان آزاد شده، از همان روز های نخست، بار دیگر سرقت هایش را آغاز کرده و در این مدت ۳۰ سرقت انجام داده است.

سابقه داری؟

بله، یک بار به خاطر سرقت از بیمارستان دستگیر و چهار ماه قبل نیز آزاد شدم.

چرا دوباره شروع به دزدی کردی؟

به دلیل بیکاری و اعتیاد به مواد مخدر.

چه مدت است مواد مصرف می کنی؟

هشت سال.

شیوه و شرگرد؟

شب ها به بهانه دیدن بیمار وارد بیمارستان می شدم و وقتی بیماران در خواب بودند یا حواسشان به وسایلیشان نبود، دست به سرقت گوشی موبایل و کیف پول هایشان می زدم.

هر گوشی را به چه قیمتی می فروختی؟

۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان.

آزاد شوی چه کار می کنی؟

به شهر خودمان می روم و کار می کنم.

چه تضمینی است که دوباره دزدی نکنی؟

دیگر دزدی نمی کنم.

چرا باید سر تان به سنگ بخورد تا دیگر خلاف نکنید؟

خب دیدن دیگران فایده ندارد و حتما باید خودمان تجربه کنیم.

چرا اسر کار نمی رفتی؟

کار نبود.

زندان برای شما درس عبرت نمی شود که دوباره دزدی می کنید؟

زندان هم سخت است اما اعتیاد باعث می شود دوباره به سمت خلاف بروم.

سارق شیشه ای

چندی قبل ماموران کلانتری ۱۲۴ قلهک از سرقت لوازم داخل خودرو پژو ۲۰۶ مطلع و تیمی از ماموران برای دستگیری متهم وارد عمل شدند.

ماموران در گام نخست تحقیقات پی بردند سارق که صاحب یک خودروی پژو ۲۰۶ سفید رنگ است، ابتدا برای اجرای نقشه اش پلاک یک خودروی مشابه خودروی خود را سرقت می کند و با نصب آن دست به سرقت لوازم داخل خودرو می زند.

تیم پلیسی با توجه به اطلاعات به دست آمده مشخصات خودروی پژو ۲۰۶ سفید رنگ را در اختیار تیم های گشت کلانتری قرار دادند تا این که در نخستین روز اسفند امسال ماموران در حین گشت زنی به خودروی پژو ۲۰۶ سفید رنگ مشکوک شدند و او را تحت نظر قرار دادند. ردیابی های پلیسی ادامه داشت تا این که سارق جوان پس از توقف خودرویش به سراغ خودروی پژو ۲۰۶ دیگری رفت و قصد سرقت لوازم داخل خودرو را داشت که ماموران وارد عمل شدند و این دزد جوان را در حین سرقت دستگیر کردند.

گفت و گو با دزد تازه کار

حمید ۴۲ ساله که یکی از دزدان تازه کار است، باعث همه این مشکلات و بدبختی های زندگی اش را اعتیاد به مواد مخدر می داند.

به چه جرمی دستگیر شدی؟

سرقت لوازم داخل خودرو.

شیوه و شرگرد؟

ابتدا پلاک یک خودروی مشابه خودروی خودم را سرقت می کردم و با نصب آن روی خودرویم، دست به سرقت لوازم داخل آن می زدم.

در خودرو ها را چطور باز می کردی؟

فقط پژو ۲۰۶ هدف سرقت هایم بود که با شکستن شیشه خودرو، دست به دزدی می زدم.

دزد دیگر داشت هم سرقت می کردی؟

بله، تا صدای دزد گیر در می آمد من سرقت را انجام می دادم و به سرعت پام فرار می گذاشتم.

چند فقره سرقت انجام دادی؟

سه تا.

چرا دزدی؟

اعتیاد به مواد مخدر شیشه دارم و نیاز به پول داشتم.

چه مدت است شیشه ای شدی؟

ابتدا حیثیت مصرف می کردم اما حدود یک سال است که شیشه ای شدم.

از دواج کردی؟

زمانی که از دواج کردم معتاد نبودم اما در شرف جدایی هستم.

ارزشش را داشت که دزدی کنی؟

اگر می دانستم ارزشش را ندارم، این کار را نمی کردم.

تصمیم به ترک اعتیاد نداری؟

تصمیم گرفتم دیگر مصرف نکنم تا زندگی سالمی داشته باشم.

حرف آخر؟

پشیمانم و امیدوارم آن هایی که هنوز دستگیر نشده اند هم از کارشان پشیمان شوند چون هیچ چیزی ارزش زندان و دستگیر شدن را ندارد. بنا بر این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس تهران قرار گرفتند.